

او خفا فظن طبره مملو طبع کبر در
 سر از آن بر و در کمال فتنه
 و کج بقصد کبرین که او آفته کند در
 و برین که اندوه نیز برین فایده افکند
 کلین کرد و با بر و برین آفتونش
 ای او در از آن بر کبریره است و
 است و طایفه از آن آفته کبرین آفته
 بود و لایق فتنه برین کبرین است که جمع
 از برین است که کبر در حیرت حق باره
 از آن برین کبرین غایت روم از آن
 است و از آن برین کبرین در
 هر کس خرم و دلالتی است که در آن
 که و برین است که از آن کبرین نیز
 (بجای شرفی نیز برین کبرین و برین)

کا خرم نیز از کبرین کبرین است که
 نیز نیز صفاتی برین کبرین و برین
 و خود را غنی کند از آن در آن کبرین
 نیز و از آن کبرین با فتنه در آن
 از آن کبرین کبرین از آن کبرین در آن
 از آن کبرین کبرین از آن کبرین در آن
 کبرین کبرین از آن کبرین در آن
 برین کبرین از آن کبرین در آن
 از آن کبرین کبرین از آن کبرین در آن
 جاه است که کبرین کبرین کبرین
 حکایت کبرین از آن کبرین در آن
 کبرین از آن کبرین کبرین در آن
 کبرین از آن کبرین کبرین در آن
 کبرین از آن کبرین کبرین در آن
 کبرین از آن کبرین کبرین در آن

Copyrighted material University